

مقدمه

دیلمیان از دیرباز در تاریخ ایران به علت برخورداری از شجاعت و مهارت‌های جنگی سرآمد بودند. آنان در قرن سوم و چهارم هجری توانستند بر مسند قدرت حکومتی ایران و اسلام دست یابند. کارآمدی آنان در بخش نظامی، موجب تسلط بر قلمرو وسیعی گردید.

یکی از مهم‌ترین حکومت‌های ایران و ایرانیان در سده‌های نخستین اسلامی محسوب می‌شود. حکومت آنان حکومت آل بویه، نقطه عطف سیاسی در روابط ایران و بغداد محسوب می‌شود. آنها اولین حکومت ایرانی بودند که توانستند به آمال بسیاری از ایرانیان از جمله یعقوب لیث صفاری و مرداویج زیاری دست یابند. موفقیت آنان مرهون حفظ پیوندهای خانوادگی و پابندی به روش کدخدانمشی بود. اتحاد سه برادر بویی و اطاعت از فرد بزرگ‌تر خانواده، عامل قوام و دوام حکومت آل بویه گردید. خاندان بویه مانند هر سلسله دیگری، تجربه دوران شکل‌گیری، رسیدن به اوج قدرت و قرار گرفتن در سرایشی را امتحان کردند.

آل بویه در تاریخ ایران دوره اسلامی از چند لحاظ حائز اهمیت است. تلاش آنان در جهت بازیابی فرهنگ ایرانی و اشاعه هویت فرهنگی ایرانیان، امتیاز خاص آل بویه بود. تعصبات نژادی و قومی عرب در چند قرن اول تسلط بر ایران، مانع از اشاعه فرهنگ گذشته ایرانی شده بود. سرزمین دیلم به لحاظ صعب‌العبور بودن و آب و هوای خاص در مقایسه با دیگر مناطق ایران، کمتر دستخوش تهاجم بیگانگان و تغییر و تحول قرار گرفت و به همین علت از نظر حفظ آداب و رسوم و فرهنگ ایرانی بکرتر از دیگر مناطق بود. پسران بویه که تعلقاتی به فرهنگ ایرانی داشتند،

در صدد احیا و برقراری مجدد آداب و فرهنگ ایران برآمدند. اسلام آوردن مردم دیلم به دست علویانی صورت گرفت که مهاجرت کرده و در آن سرزمین پناه بسته بودند. گرایش دیلمیان به مذهب تشیع از دیگر عواملی است که میان آنان و حکام خلفای عباسی تمایز ایجاد کرد و تسلط آنان بر بغداد، موجب تحولی بزرگ در جامعه ایران و سرزمینهای اسلامی گردید. آنها در صدد تلفیق ملیت ایرانی با دیانت اسلامی، از نوع شیعی، بودند. تسلط آل بویه بر خلفای عباسی، قدرت دنیوی خلفا را رسماً محدود کرد. تنها امتیاز خلیفه این بود که به نامش خطبه خوانده می‌شد. خلافت عباسی بقای خود را مدیون اغماض آل بویه از دستیابی به خلافت و عدم انتقال آن به خاندان آل علی (ع) بود.

حضور اندیشمندان و بزرگان علم و ادب در تصدی امور حکومتی، فارغ از وابستگی نسبی و مذهبی، از رهاوردهای دیگر این خاندان است که نشانه تساهل و تسامح مذهبی آل بویه و عامل رشد و گسترش اندیشه‌های فعال و خلاق بود.

کتاب حاضر شامل چهار بخش است. بخش اول به شناسایی سرزمین دیلم می‌پردازد؛ زیرا وضع سیاسی هر سرزمین متأثر از وضع جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی خاص آن است و مسلماً بدون شناخت اولیه دیلم و دیلمیان نمی‌توان به ارزیابی و بازشناسی حکومت آل زیار و آل بویه اقدام کرد.

بخش دوم کتاب، اختصاص به آل زیار و حکومت آنان در منطقه جغرافیایی محدودی از ایران دارد. آل زیار از نظر اعتقاد و وابستگی به فرهنگ و ادب ایران در جایگاه والایی قرار دارند.

بخش سوم کتاب به تاریخ سیاسی آل بویه پرداخته و سه مرحله شکل‌گیری و دستیابی به قدرت، اعتلا، و سرانجام انحطاط آنان را بررسی می‌کند. در این بخش خاندان بویه در سطح کلان به عنوان خاندانی منسجم و در سطح خرد در سه شاخه حکومتی جبال، فارس و عراق به عنوان حکومت‌هایی مجزا و گاه توأمان مورد بررسی قرار می‌گیرند. وضع خلفای عباسی در این دوره و رابطه خاندان بویه با آنان که در حقیقت دوران ضعف خلافت عباسی و تسلط حکومتی ایرانی و شیعه مذهب بر آنان

است، از دیگر مباحث این بخش به شمار می‌رود.
بخش چهارم در فصولی مجزا به تشکیلات اداری، فرهنگ و تمدن و اقتصاد دوره آل بویه توجه دارد و سعی شده است رهاوردهای سیاسی، نظامی، دیوانی، علم و ادب و مذهب و اقتصاد این دوره مورد بحث قرار گیرد.

ترکمنی‌آذر

زمستان ۸۲